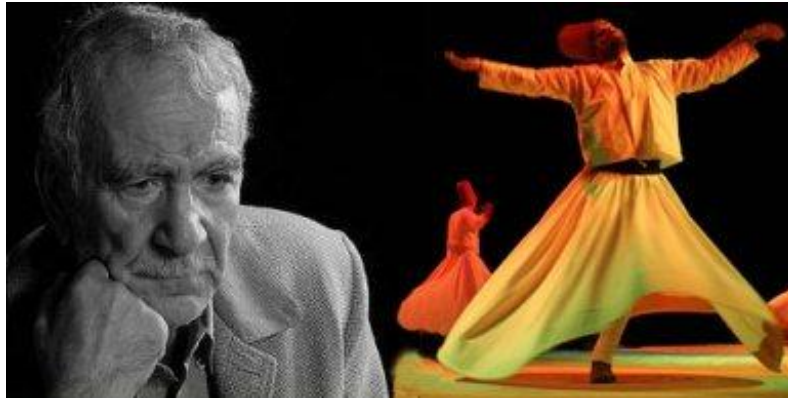


تایید و ترویج رقص و پایکوبی صوفیانه (سماع) توسط آقای دینانی و تحریم مراجع معظم+مستند تصویری سماع

جناب آقای دینانی هم که ظاهراً سر قفلی برنامه معرفت شبکه ۴ سیما به نام ایشان زده شده است، نظریات فلسفی و عرفانی (و احیاناً نظرات شخصی خود) را به خورد مخاطبین (نه چندان آگاه) خود میدهد و در کمال تعجب، این بدعتها و انحرافات را توجیه و تایید کرده و مخالفان را افرادی فاقد فهم و درک! عنوان می کند.



همانطور که قبلاً عرض کردیم، اساسی ترین مشکل مکاتب بشری (من جمله فلسفه و عرفان مصطلح)، خودبنیادی نظری و اعتقادی و بی توجهی و بلکه مخالفت با تعالیم برهانی و عرفانی اصیل و صحیح اهل بیت علیهم السلام است که تأثیرات آن را میتوان در نظریات این مکاتب در عرصه های گوناگون دینی و اعتقادی مشاهده کرد.

با اینکه در آیات و روایات، بارها از بدعت گذاری و همچنین تفسیر به رای آیات قرآن مجید، به شدت نهی شده و حتی آن را مساوی و معادل کفر معرفی کرده اما این مسئله در مطالب عرفا و متصوفه به وفور یافت میشود!

یکی از این بدعتها و انحرافات که توسط متصوفه ترویج و تایید میشود، سماع نام دارد که با رقص، حرکات موزون و نواختن آلات موسیقی همراه است.

در اصطلاح صوفیان سماع به معنی خواندن آواز و یا ترانه عرفانی توسط قوال یا قوالان (گاه همراه با نغمه ساز) و به وجد آمدن شنوندگان در مجالس «ذکر جلی» است. به مجموعه ی قوالی، نغمه سازی، به وجد آمدن و رقص، سماع گفته می شود.

در دوره های مختلف، در سماع صوفیان علاوه بر رقص و موسیقی، مفاصد دیگری هم صورت میگرفته است. من جمله میتوان اختلاط زن و مرد و شاهد بازی را نام برد. همچنین در تاریخ ذکر شده است که برخی (مولوی) سماع را بالاتر از نماز میدانستند و آن را مانند فریضه ای از فرائض قلمداد میکردند! [۱]

این انحراف آنقدر شدید و ناپسند بوده که حتی برخی از سران تصوف، زبان به اعتراض گشوده و آن را مذمت کرده اند. برای نمونه محیی الدین ابن عربی آندلسی صاحب فتوحات در موارد مختلف از کتابها و رساله های خود سماع را مطرح کرده است و در بسیاری از موارد موضع شدیدی در برابر آن گرفته است.

وی میگوید: ... بعد از مراسم پر هیاهوی سماع، به یکدیگر به خاطر اعمال خود تهنیت می گوئیم، در حالی که فرشتگان و ملا اعلی به ما، به خاطر از دست دادن دین و عقل خود تسلیت می گویند!... رقص و پایکوبی لایق حضرت حق نیست؛... وی در ادامه تأکید می کند: «هر کس (در سماع) حرکت و جست و خیز کند و مدعی شود که: خدا را شهود کردم و خدا من را به خودم نمود، پس او دروغ گو است!» [۲]

جناب آقای دینانی هم که ظاهراً سر قفلی برنامه معرفت شبکه ۴ سیما به نام ایشان زده شده است، نظریات فلسفی و عرفانی (و احیاناً نظرات شخصی خود) را به خورد مخاطبین (نه چندان آگاه) خود میدهد و در کمال تعجب، این بدعتها و انحرافات را توجیه و تایید کرده و مخالفان را افرادی فاقد فهم و درک! عنوان می کند.

بعد از مشاهده تاییدات و توجیهات کذایی و تفسیر به رای های آقای دینانی در باب سماع، بر آن شدید وظیفه خود در راستای آگاه سازی عموم را انجام داده و از مراجع معظم درباره صحبت های ایشان استفتاء کنیم و نتیجه این شد که همه مراجع، سخنان او را رد کرده و مهر بطلان بر آن زدند. بارها از آقای دینانی درخواست شده که در مناظره حضور پیدا کند اما او هم مانند بسیاری از فلاسفه و عرفا، به توهین به مخالفان پرداخته، آنها را نادان و جاهل (قریب به مضمون) خوانده و حاضر به مناظره نشده است.

متن صحبتهای آقای دینانی در تایید و ترویج سماع (رقص صوفیانه)

عرض کنم که خب این نسبتهایی که میدان که شما فرمودید هر کسی به اندازه فهم خودش حرف میزنه. یعنی چون در همون مرتبه هستند از رقص فقط الواتی میفهمند و رقصی میفهمند و هرزه درائی! کسی که رقص رو هرزه درائی میدونه فکر میکنه که رقص مولانا هم هرزه درائیه. این دیگه بیشتر از این هم نمیتونه بفهمه! بیچاره خب چیکار بکنه. این مرتبه فهمش همینه. اون خودش همینه فکر میکنه هر کسی که از رقص صحبت کرد هم در همین حد رقص اوست!

اما من قبل از اینکه وارد بیان و توضیح این مطلب بشم یک حکایتی نقل کنم که البته این واقعیه. سعدالدین حمویه که یکی از عرفای بزرگه. خیلی عارف بزرگیه. در یه جلسه ای نشسته بود که عرفا بودن. اون جلسه سماع بود. شعری خونده شد و حالی دست داد به عرفا و عرفا به رقص درآمدند به حرکت درآمدند. سعدالدین حمویه همچنان آرام نشسته بود در بحر تفکر هیچ تکون نیمخورد.

یه کسی از اونا که در حال رقص بود گفت که مولانا! جلسه ی سماعه رقصه... تو رو ساکت میبینم! سعدالدین حمویه این آیه رو قرائت کرد- فرمود: «و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرالسحاب»

شما این کوهها رو میبینی که ساکنه سالها صامت و ساکت موندن. این کوه رو ما میبینیم هزاران ساله سر جاش تکونم نمیخوره صدا هم نمیکنه. اما در باطن امر و در واقع و نفس الامر این کوه مانند ابر در حرکته. «تمرّ مرالسحاب...» یعنی مانند ابرها در حرکته. کوهها در حرکتن. ابر هم حرکت میکنه... ابر همیشه در حرکته رقصه. و اون جمله ای که شما فرمودید از خواجه که حکیمه خدا رحمتش کنه حکیمه متاله... رقص نوعی حرکته... منتهاش حرکتی است که یک مبنایی تکونش میده. یه محرکی داره مجری: احسنت!

رقص بیخودی که نیامد که! اصلاً رقص بیخودی نمیشه یه محرک میخواد... اگه بیخودی باشه اون حرفه است اون تکنیکه این همین هرزه درائیه. یه رقص حرفه ای که یه رقص واقعی نمیکنه. اون حرفشه... تکنیکه. اما اون کسی که به رقص میاد یه محرکی از درون داره... محرک از درون. رقص نوعی حرکته ولی حرکت ویژه! نه هر حرکتی رقصه. حرکت ویژه رقصه.

حرکتی است که از نقص به کمال میره. اگه ما رقص رو اینطور معنی کنیم که از نقص به کمال رفته، نه تنها عارف در رقص میاد، نه تنها انسان در رقص میاد، هستی در رقصه. مجری: احسنت!

برای اینکه هستی همواره علی الاتصال و علی الدوام از نقص به کمال میره. از قوه به فعلیت. از مرحله ی قوه به فعلیت. مجری: رقصی چنین میانه ی میدانم آرزوست!

یعنی از نقص به کمال رفتن. کسی که مونده عرض کردم همون بحث اولی... کسی که به یه چیزی خرسند و قانع همتش کمه دیگه. یه چیزی بهش رسیده حالا اینو سخت نگه میداره و به همینجا هم قانع. این حرکت حبتی نداره حرکت کمالی نداره. یعنی به بالاتر نمیخواد برسه. اصلاً خواستن نداره. نمیخواد.. همینو میخواد.

اما کسی که هل من مزید میگه برا کمال و هر لحظه بالا و بالا و بالاتر میخواد بره از نقص به کمال بره، این در واقع در یه رقصه! حالا شجر در رقصه حجر در رقصه دریا در رقصه کوه در رقصه. همین کوه هم حرکت جوهری داره حرکت حبتی داره در رقصه... عالم در رقصه.

منتها رقص عارف باز با رقص جماد و نبات و حیوان یه تفاوتی داره. اونا هم از نقص به کمال میرن. ولی از نقص به کمال رفتن عارف یک حرکت دیگه میخواد. چون عارف یه حرکت فیزیکی داره در بدنش. بدنش هم مانند سایر موجودات در حرکت. چون بدنم که آرام نیست بدنم از نقص به کمال میره. و حتی وقتی پیر میشه رو به نزول میره اونم یه نوع کمالی دیگه است. یعنی اون نزول رو برای کمالی دیگه آغاز میکنه.

اما عارف غیر از حرکت فیزیکی و بدنی که در کل عالم هست یه حرکت روحی داره ، که روحش در حرکت. اصلا روح ریحه پروازه. این رقص روحانی درونی سرایت میکنه به بدن!!

اون رقص در درونه داره حرکت حبی در تعالی فکریست و عشقی!!

اما اون روح چنان سیطره بر بدن داره که بدن هم به حرکت درمیاد! یه رقص موزون!

اتفاقا این رقص عارف مطابق همون حرکت درونیشه. یعنی همینطور که قلبش روحش در حرکته بدنش هم به موازات روحش به حرکت درمیاد. این رقص عارفه! این هرزه درائی نیست که! مجری : احسنت!

استفتاء از مراجع درباره سخنان آقای دینانی در شبکه ۴ و حکم سماع

سوال : اخیرا یکی از اساتید دانشگاه برای موجه جلوه دادن سماع(رقص صوفیانه) با استناد به سخنان برخی از صوفیان و استشهاد به آیه شریفه (و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّالسحاب) گفته که همه کوهها و ابرها و عالم در رقص و سماع اند . وی همچنین با بیان اینکه سماع حرکانی موزون ، ناشی از رقص و تلاطم روح است ، سماع را تایید کرده و به دفاع از آن پرداخته است. با توجه به رواج روز افزون تصوف و عرفانهای کاذب خواهشمندیم بفرمایید آیا از لحاظ اسلام سماع حکم رقص را دارد؟ و حکم آن چگونه است؟

پاسخ مراجع معظم (دام ظلهم):



مقام معظم رهبری آیت الله العظمی خامنه ای: ترویج عقاید باطل صوفیه حرام است. تقرب به خدای متعال با عبادت های جعلی حاصل نمی شود و باید از روش اهل بیت (علیهم السلام) پیروی کرد. شماره استفتاء: ۲۲۲۷۷۵



آیت الله العظمی سیستانی: موسیقی لهوی حرام است و همینطور غنا که سخن باطل با کیفیت لهوی است حرام می باشد و اگر سخن باطل نباشد نیز اشکال دارد ، و این روشها بر خلاف طریقه ی صحیح اهل بیت (علیهم السلام) است.



آیت الله صافی العظمی گلپایگانی:

به هیچ وجه مستند شرعی ندارد باید بدانید افرادی که به اصطلاح عرفا نامیده میشوند اکثریت دارای انحرافات فکری و عقیدتی و روشهای خرافی می باشند و گفتارها و سخنانی دارند که بانصوص قرآن مجید و احادیث شریفه مخالفت دارد. افرادی از این قبیل طریقه متشرعه و ملتزمین به احکام و آداب شریعت را نداشته اند و اگر هم برخی آنها را از عقاید فاسده تبرئه نمایند برای شخص مسلمان آراء و عقایدشان حجت نیست و قدر مسلم این است که

این افراد و آرائشان در طول چهارده قرن در محیط مذهب و تشیع هیچگاه مرجع و ملجا نبوده است و در همه ادوار و اعصار رهبران عقیدتی شیعه، افرادی مثل ابن بابویه پدر صدوق و خود صدوق و شیخ مفیدها و شیخ طوسی ها و علامه حلی ها و مجلسی ها و صدها و هزارها علما از این قبیل بوده اند که در ارائه مرزهای بین کفر و اسلام و همواره کلامشان قطعی و قاطع بوده است. اکنون هم راه و صراط مستقیم همان راه آنها است. مع ذلک برای مزید شناسایی به حال این افراد میتوانید به کتابهایی مثل: خیراتیبه و فضائح الصوفیه و نقدی بر مثنوی و حدیقه الشیعه و عرفان و تصوف و جستجو در عرفان اسلامی رجوع نمایید.

شماره اتوماتیک استفتاء: ۹۰۳۲۷



آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

در اسلام چیزی به نام سماع نداشته و نداریم و این مطلب ساخته دست برخی از فرقه های منحرف صوفیه است. آن آیات نیز هرگز دلالت بر جواز رقص سماع نمی کند و استدلال و استناد به آن آیات برای جواز این رقص غلط اندر غلط است. جهت اطلاع از عقاید انحرافی صوفیه می توانید به کتاب ما «جلوه حق» رجوع کنید.



آیت الله مظاهری:

حرام است و شرکت در این گونه جلسات نیز جایز نیست.



آیت الله نوری همدانی:

اینگونه برداشتها از قرآن که منشأ آن هوی و هوس می باشد و هیچگونه مستند عقلائی ندارد و تفسیر به رأی است حرام است.

شماره استفتاء: ۲۵۶۲



آیت الله سید محمد صادق روحانی:

اولا حکم رقص را دارد ثانيا حکم تفسیر قرآن به رای نیز دارد ثالثا جزای رجاء تصوف و عرفان کاذب را دارد.

شماره استفتاء: ۵۹۶۵۷



آیت الله محمد عزالدین حسینی زنجانی:
 فرق صوفیه و اعمال آنها از نظر فقه شیعه مورد تایید نبوده و سماع نیز جایز نیست.



آیت الله سید محمد شاهرودی:
 سماع و حرکاتی که معروف به رقص سماع است نیز جائز نیست.



آیت الله موسوی اردبیلی:
 استناد اینگونه اعمال به آیات قرآن بی اساس و فاقد اعتبار است و انجام آنها شرعیتی ندارد.

شماره استفتاء: ۰۰۰۶۰۶۸



آیت الله گرامی:
 آیا حرکات ابر و کوه رقص است؟ گویا معنای رقص را استاد نفهمیده. رقص طبق روایات معتبر حرام است. والسلام

برای دانلود مستند تصویری سماع بر روی لینک های زیر کلیک کنید:

دانلود با کیفیت بالا: **لینک مستقیم** | **لینک کمکی** [حجم = ۱۰۸ مگابایت]

دانلود با حجم پایین: **لینک مستقیم** | **لینک کمکی** [حجم = ۱۴ مگابایت]

برای دانلود و مشاهده تصاویر دستخط استفتاءات و ایمیل‌های ارسالی توسط دفاتر مراجع عظام بر روی لینک زیر کلیک کنید:

لینک مستقیم | **لینک کمکی** [حجم = ۴۲۰ کیلوبایت]

برای دانلود فایل تصویری سخنان آقای دینانی بر روی لینک زیر کلیک کنید:

لینک مستقیم | **لینک کمکی** [حجم = ۶۰۲ مگابایت]

[۱] - ر.ک: <http://www.ebnearabi.com/?p=1665> و <http://www.ebnearabi.com/?p=1707>

[۲] - ادعای همیشگی و مکرر سماعیان. شمس تبریزی می‌گفت: «تو با رقص! به خدا می‌رسی!»

تصاویر دستخط استفتائات و ایمیل‌های ارسالی توسط دفاتر مراجع عظام :



حضرت آیت الله العظمی سیستانی

بسمه تعالی

جواب نهایی : موسیقی لهوی حرام است و همینطور غنا که سخن باطل با کیفیت لهوی است حرام می باشد و اگر سخن باطل نباشد نیز اشکال دارد , و این روشها بر خلاف طریقه ی صحیحہ اتباع اهل بیت (علیهم السلام) است

موفق باشید

دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) - بخش استفتائات

برای فرستادن استفتای جدید به آدرس زیر بروید

www.alsistani.org

برای دریافت پاسخهای کوتاه می توانید سؤال های خود را به شماره زیر اس ام اس نمایید

00989198507500





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ج. علیکم السلام ورحمة الله

به هیچ وجه مستند شرعی ندارد و جایز نیست. باید بدانید افرادی که به اصطلاح عرفاً نامیده می‌شوند اکثریت دارای انحرافات فکری و عقیدتی و روش‌های خرافی می‌باشند و گفتارها و سخنانی دارند که با نصوص قرآن مجید و احادیث شریفه مخالفت دارد. افرادی از این قبیل طریقه متشرعه و ملتزمین به احکام و آداب شریعت را نداشته‌اند، و اگر هم برخی آنها را از عقاید فاسده تبرئه نمایند برای شخص مسلمان آراء و عقایدشان حجت نیست و قدر مسلم این است که این افراد و آرائشان در طول چهارده قرن در محیط مذهب و تشیع هیچ گاه مرجع و ملجأ نبوده است و در همه ادوار و اعصار رهبران عقیدتی شیعه، افرادی مثل ابن بابویه پدر صدوق و خود صدوق و شیخ مفیدها و شیخ طوسی‌ها و علامه حلی‌ها و مجلسی‌ها و صدها هزارها علما از این قبیل بوده‌اند که در ارائه مرزهای بین کفر و اسلام همواره کلامشان قطعی و قاطع بوده است. اکنون هر راه و صراط المستقیم همان راه آن‌ها است. مع ذلک برای مزید شناسایی به حال این افراد می‌توانید به کتاب‌هایی مثل: خیراتیه، و فضائح الصوفیه و تقدی بر مثنوی و حدیقه الشیعه و عرفان و تصوف و جستجو در عرفان اسلامی رجوع نمایند والله العالم. ۲۹ جمادی الاولی ۱۴۳۳



حضرت آیت الله سید صادق روحانی

۵۹۶۵۷

کد :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اولاً حکم رقص را دارد - و ثانیاً حکم نضیر قرآن را برای سید دارد
 و ثالثاً خیرای رجاء تصوف و عرفان کاذب را دارد
 ۱۴۳۳
 ۴ جمادی
 الموحدا



سوال شما با کد 2562 در سایت ثبت شده است.

حضرت آیت الله نوری همدانی

جواب معظم له:
 بسمه تعالی
 سلام علیکم

ج: اینگونه برداشتها از قرآن که منشأ آن هوی و هوس می‌باشد و هیچگونه مستند عقلانی ندارد و تفسیر به رأی است حرام است.

« بسمه تعالی »

حضرت آیت الله موسوی اردبیلی

استاد این گونه اعمال بر آیات قرآن بی اساس و فاقد اعتبار است و انجام آن با شرعیتی ندارد.



شماره سوال: ۰۰۰۶۰۶۸

حضرت آیت الله گرامی

بسمه تعالی

آیا حرکت ابر و کوه رقص است؟ گویا معنای رقص را استاد نفهمیده، رقص طبق روایت معتبر حرام است .
والسلام